

دعای ابوحمزه ثمالی

إلهی لا تُؤدِّبْنی بِعُقُوبَتِکَ وَلَا تَمُکِّرْ بى فِی حِیلَتِکَ

خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من با حيله ات

مِنْ أینَ لىَ الْخَیْرِ یا رَبِّ وَلَا یُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِکَ وَمِنْ أینَ

از کجا خیری بدست آورم ای پروردگار من با اینکه خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا

لِىَ النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِکَ لَا الَّذِیْ أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِکَ

نجاتی برایم باشد با اینکه نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو نه آن کس که نیکی کند بی نیاز است از کمک تو

وَرَحْمَتِکَ وَلَا الَّذِیْ أَسَاءَ وَاجْتَرَّ عَلَیْکَ وَلَمْ یُرْضِکَ خَرَجَ عَنْ

و رحمتت و نه آنکس که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودیت نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود

قُدْرَتِکَ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ بگوید تا آنکه نفس قطع شود [یکَ] عَرَفْتُکَ

ای پروردگار من ... بوسیله خودت من ترا شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِی عَلَیْکَ وَدَعَوْتَنِی إِلَیْکَ وَلَوْلا أَنْتَ لَمْ أَدْرْ مَا أَنْتَ

و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و بسوی خود خواندی و اگر تو نبودى من ندانستم که تو کسىتى

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ أَدْعُوهُ فِیْجِیْبُنِیْ وَإِنْ کُنْتُ بَطِیئًا حِینَ یَدْعُونِی

ستایش خدایى را که مى خوانمش و او پاسخم دهد و اگرچه وقتى مى خواندم بکندى به درگاهش روم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ أَسْأَلُهُ فِیْعُطِیْنِیْ وَإِنْ کُنْتُ بَخِیلاً حِینَ یَسْتَقْرِضُنِیْ

و ستایش خدایى را که مى خواهم از او و به من عطا مى کند و اگرچه در هنگامى که او از من چیزى قرض خواهد من بخل کنم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ أَنْادِیْهِ کُلَّمَا سِئْتُ لِحَاجَتِیْ وَأَخْلُو بِهِ حَیثُ سِئْتُ

و ستایش خدایى را که هرگاه برای حاجتى بخوام او را ندا کنم و هر زمان بخوام برای

لِسِرِّیْ یَغِیْرُ شَفِیْعَ فِیْقَضِیْ لى حَاجَتِیْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ لا أَدْعُو غَیْرَهُ

راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستایش خدایى را که جز او

وَلَوْ دَعَوْتُ غَیْرَهُ لَمْ یَسْتَجِبْ لى دُعَائِیْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ لا أَرْجُو

کسى را نخوانم و اگر غیر او دیگری را مى خواندم دعایم را مستجاب نمى کرد و ستایش خدایى را که بجز او

غَیْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَیْرَهُ لَأَخْلَفَ رِجَائِیْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ وَکَلْتَنِی

امید ندارم و اگر به غیر او امیدى داشتم ناامیدم مى کرد و ستایش خدایى را که مرا به حضرت خود

إِلَیْهِ فَأَکْرَمَنِیْ وَلَمْ یَکِلْنِیْ إِلَیْ النَّاسِ فِیْهِیْنُونِیْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوارکنند و ستایش خدایی را که

تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي

با من دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که

لَا ذَنْبَ لِي قَرَّبِي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ يَحْمَدِي اللَّهُمَّ إِنِّي آجِدُ

گویا گناهی ندارم پس پروردگار من ستوده ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است خدایا من همه راههای

سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتَرَعَةً

مقاصد را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید را بسویت سرشار می یابم

وَالْأَسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مَبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندان مباح و بی مانع است و درهای دعای بسوی تو برای

لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَعَلِمْتُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي يَمَوْضِعَ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْمُوهِينَ

فریادکنندگان باز است و به خوبی می دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آماده ای و برای فریادرسای اندوهگینان

يَمْرَضِدِ إِغَاثَةً وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا

مهیای فریادرسای هستی و براستی می دانم که در پناهندگی به جود و کرمت و خوشنودی به قضا و قدرت عوضی است

مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي آيِدِي الْمُسْتَثِيرِينَ وَأَنَّ

از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در دست دنیاطلبان است و براستی

الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ

کوچ کننده به درگاهت راهش نزدیک است و مسلما تو از خلق خود در حجاب نشوی مگر آنکه

تَحْجِبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ يَطْلِبْتَنِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

يَحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلْتُ مِنْ غَيْرِ

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم بی آنکه من

اسْتِحْقَاقِ لِاسْتِغَاثَتِكَ مِنِّي وَلَا اسْتِجَابِ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيثْقَتِي

استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

يَكْرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَأِي إِلَى الْإِيمَانِ

به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده ات دارم و به خاطر پناهندگیم به ایمان

بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ إِلَّا [لِي] غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می دانم پروردگاری غیر

أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ

تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعده ات

صِدْقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ يَكُمُ رَحِيماً وَلَيْسَ مِنْ

راست است (که فرمودی) ((و درخواست کنید خدا را از فضلش که براستی او به شما مهربان است)) و رسم تو چنان نیست

صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمَرَ بِالسُّؤْلِ الِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ

ای آقای من که دستور سؤ ال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ يَتَحَنَّنُ رَأْفَتِكَ إِلَهِي

به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و راءفتت خدایا

رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيراً وَنَوَّهْتَ يَأْسُمِي كَبِيراً قِيَامَنُ

مرا در خردسالی در نعمتها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبانها بلند کردی پس ای که

رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمتهای خود پروریدی و برای آخرتم

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي

به عفو وکرم اشارت فرمودی ای مولای من شناساییم به تو راهنمای من بسوی تو است و محبتی که به تو دارم شفیع من است

إِلَيْكَ وَأَنَا وَائِقٌ مِنْ دَلِيلِي يَدْلَا لَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى

به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلیم بسوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو

شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي يَلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبُّ أَنْجِيكَ

آسوده خاطر می خوانمت ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده پروردگارا با تو راز گویم

يَقْلَبُ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبُّ رَاهِباً رَاجِئاً خَائِفاً إِذَا

بوسيله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می خوانمت ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان ،

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي قَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ

ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر بگذری

فَخَيْرٌ رَاجِمٌ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهَ فِي جُرْأَتِي عَلَى

بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای ، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم

مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِثْبَانِي مَا تَكَرَّهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ

در سؤال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختیم با

قِلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَنْبِي

بی شرمی من همان رافت و مهربانی تو است و برآستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را

وَذَيْنِ مُنِيَّتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٌ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي

و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو

مِنْ عَفْوِكَ يَمِيقِدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤْخِذْنِي بِأَسْوَى عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ

از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است

يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَجِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

از مجازات گناهکاران و بردباریت بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ يَفْضَلُكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ

و من ای آقایم به فضلت پناهنده گشته و از تو بسوی خودت گریخته ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ يَكُ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي

چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است ، من چه ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم ؟ مرا

يَفْضَلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ يَعْفُوكَ أَيُّ رَبِّ جَلَلْنِي يَسِيْرَتِكَ وَأَعْفُ عَنْ

به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود ببوشان

تَوْبِيخِي يَكْرَمُ وَحَهْلِكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتُهُ

و به کرم ذات از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می شد آن گناه را انجام نمی دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتُهُ لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَأَخْفُ

و اگر از زود به کیفر رسیدن می ترسیدم باز هم خودداری می کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که تو سبکترین بیندگانی

الْمُطَّلِعِينَ [عَلَيَّ] بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّائِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم کننده ترین حاکمان

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَّارُ الْعُيُوبِ عَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ

و گرامی ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی گناه را به کرمت می پوشانی

الدَّٰنِبَ يَكْرِمِكَ وَتُوَخَّرُ الْعُقُوبَةَ يَجْلُمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ

و کیفر را به واسطه بردباریت به تاخیر اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباریت پس

عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرئُنِي عَلَى

از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر

مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي وَبِدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَيِّئِكَ عَلَيَّ

نافرمانیت و همان پرده پوشیت بر من مرا به بی شرمی واداشته

وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي يَسْعَةَ رَحْمَتِكَ

و همان معرفتی که من به فراخی رحمتت دارم و بزرگی عفو تو مرا بدست زدن به کارهای حرام شتابان می کند

وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ يَا غَافِرَ الدَّنْبِ يَا

ای بردبار ای بزرگوار ای زنده و ای پاینده ای آمرزنده گناه ای

قَائِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَيِّئِكَ الْجَمِيلُ

پزیرنده گناه ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست پرده پوشی زیبایت ؟

أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ قَرَحِكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ أَيْنَ

کجاست گذشت بزرگت ؟ کجاست گشایش نزدیکت ؟ کجاست فریادرسی فوریت ؟ کجاست

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةَ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ أَيْنَ

رحمت وسیعت ؟ کجاست عطاهاى برجسته ات ؟ کجاست بخششهای دلچسبیت ؟ کجاست

صَنَائِعِكَ السَّنِيئَةَ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنِّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ

نیکی های شایانت ؟ کجاست فضل عظیمت ؟ کجاست نعمت بزرگت ؟ کجاست

إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمٌ يَهْ وَيَمْحَمَدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ

احسان دیرینه ات ؟ کجاست کرمت ؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده و به رحمتت

فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنٌ يَا مُجْمِلٌ يَا مُنْعِمٌ يَا مُفْضِلٌ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي

خلاصم کن ای نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده بخش چنان نیست که من برای

النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ يَفْضِلُكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

نجات از عقاب تو به کارهامان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زرم زیرا تو اهل تقوی

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الدَّنْبِ كَرَمًا فَمَا

و شایسته آمرزشی آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشتت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این وضع

نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَلْبَيْتَ

ما ندانیم کدامیک را سپاس گوئیم : آن نیکبها که پراکنده کنی یا زشتیها که بپوشانی یا بزرگ آزمایشت

وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَيْتَ وَعَاقَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عاقبت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند

وَيَا فُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذِيكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ

و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران ببرد تویی نیکوکار و ماییم

الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزَ يَا رَبَّ عَنْ قَبِيحَ مَا عِنْدَنَا يَجْمِلُ مَا عِنْدَكَ وَآيُ

گنهکار پس درگذر ای پروردگار از زشتیهای ما به نیکبهای خود و کدام

جَهْلٍ يَا رَبَّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ آيُ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ آيَاتِكَ وَمَا قَدْرُ

نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْتَرُ أَعْمَالًا تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ

اعمال ما در جنب نعمتهایت و چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه

كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسیعت

الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ يَا الرَّحْمَةَ قَوَّ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي

که ایشان را فراگرفته ای وسیع آمرزش ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من اگرچه برانیم

مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهِى إِلَيَّ مِنْ

من از در خانه ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست برندارم چون

الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ

اطلاع از جود و کرمت پیدا کرده ام و تویی کننده هرچه بخواهی عذاب کنی هرکه را خواهی

يَمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ يَمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا

بهرچه خواهی بهرطور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی بهرچه خواهی هرطور که خواهی

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا

بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ

و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش

وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَن لَدَيْكَ

و دستور از تو است برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است که به تو

وَأَسْتَجَارَ يَكْرَمِكَ وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَتِكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

روی آورده و به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که

لَا يَضِيقُ عَفْوَكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلَكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَقَّعْنَا

تنگ ناید عفو تو و کاهش نیابد فضل و بخشش تو و کم نگردد مهر و رحمت و ما

مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفْتَرَاكَ يَا

بدان چشم پوشی دیرینه و فضل عظیم و رحمت پهناور اعتماد کرده ایم آیا چنان می بینی

رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا يَكْ

پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نومید کنی ؟ هرگز ! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم

وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ

و طمع ما درباره تو اینگونه نیست پروردگارا براستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم براستی ما نسبت به تو

رَجَاءً عَظِيمًا عَصِيانَكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَرَّ عَلَيْنَا وَدَعْوَانَا وَنَحْنُ

امید بزرگ و زیادی داریم ، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بپوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم

نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقْ رَجَائِنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ

که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که براستی ما می دانیم که به اعمالمان مستوجب چه (پاداشی)

بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرَفُنَا عَنْكَ وَإِنْ كُنَّا

هستیم ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما

غَيْرِ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ

مستوجب رحمت تو نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گنهکاران

يَفْضُلُ سَعَتِكَ فَاْمُنُّنُ عَلَيْنَا يَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ

به فضل وسعت توجه فرمایی پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند

إِلَى نَيْلِكَ يَا عَفَّارُ يَنْوِرُكَ أَهْتَدَيْنَا وَيَفْضُلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَيَنْعَمَتِكَ

عطای تویم ای آمرزنده به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا دُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ

صبح و شام کردیم گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آمرزش خواهیم و بسویت توبه کنیم

إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنَّعْمِ وَتُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ

تو با نعمت‌هایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضة و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد

وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ بِأَتِيكَ عَنَّا يَعْمَلُ

و در برابر شر ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای

قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوِّطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا يَا لَأَيْتِكَ

زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیری نکند از اینکه ما را به نعمت‌های خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئًا وَمُعِيدًا تَقَدَّسَتْ

پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نام‌های مقدس

أَسْمَائِكَ وَجَلَّ تَنَاوُكَ وَكَرَمَ صَنَائِعِكَ وَفِعَالِكَ أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ

و ستایشت ارجمند است و کارها و رفتار گران‌ها است فضل تو ای معبود من

فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ

وسیعتر و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردار و گناهم بسنجی از من درگذر درگذر

الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَأَعِذْنَا مِنْ

درگذر ای آقای من ... آقای من ... آقای من خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن و از

سَخَطِكَ وَأَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَأَرْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ

خشمت پناهمان ده و از عذابت امانمان ده و از بخشش‌هایت روزیمان گردان و از

فَضْلِكَ وَأَرْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ

فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانه ات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت

وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

و آمرزش و خوشنودیت بر او و بر خاندانش باد که براستی تو به خلق نزدیکی و اجابت کننده دعایی

وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا يَطَاعَتِكَ وَتَوْقِنًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت - که درود تو

عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَأَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا

بر او و آتش باد - ما را بمیران خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و برایشان رحم کن چنانچه مرا در کودکی پروریدند

إِجْزُهُمَا يَا إِحْسَانَ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ

و پاداششان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدیها به آمرزش خدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَايِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

مردان و زنان باایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

يَا خَيْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَذَكَرْنَا وَاُنْتَانَا

در نیکبها خدایا بیمارز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرًّا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ يَا لَللّٰهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا

کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُّبِينًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

دوری و زیان کردند زیان آشکاری خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاخْتِمْ لِيْ يَخِيْرًا وَاكْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَاٰخِرَتِيْ

و کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِيْ وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً باقِيَةً وَلَا

و مسلط مکن بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهبانی همیشگی و

تَسَلِّبْنِيْ صَالِحًا مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ وَاَرْزُقْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاَسِيْعًا

از من نعمتهای شایسته خود را که به من داده ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ

حَلَالًا طَيِّبًا اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِيْ يَحْرَاسَتِكَ وَاَحْفَظْنِيْ يَحْفَظِكَ وَاَكْلَانِيْ

و حلال و پاکى برای من روزی گردان خدایا به نگهبانی خود مرا نگهبانی فرما و به حفظ خود حفظم کن و در حمایت خود

يَكِلَاتِكَ وَاَرْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِيْ عَامِنَا هَذَا وَفِيْ كُلِّ عَامٍ

نگاهداریم کن و روزی من کن حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَاَلْاِيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخَلِّنِيْ يَا رَبَّ مِنْ

و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه عليهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از

تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيْفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيْمَةِ اَللّٰهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتّٰى

زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاههای گرامی خدایا توبه ام ده تا

لَا اَعْصِيْكَ وَاَلْهَمْنِيْ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهٖ وَخَشِيْتِكَ يَا لَيْلٍ وَالنَّهَارِ مَا

نافرمانیت نکنم و به دلم انداز کار نیک را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که

اَبْقَيْتَنِيْ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

در این دنیا زنده ام داری ای پروردگار جهانیان خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا و مجهز شده ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ اَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا اِذَا اَنَا

و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت و با تو به راز پرداختم تو بر من چرت و بینکی را مسلط کردی در آن هنگامی که

صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ

داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم ، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم

صَلَحْتُ سَرِيرَتِي وَقَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان مجلس من ، گرفتاری

لی بلیه آزالت قدمی و حالت بینی و بین خدمتک سیدی لعلک عن

و پیش آمدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگذاریت حائل گشته ای آقای من شاید مرا از در

بایک طردتنی و عن خدمتک نحتتنی او لعلک رأبتنی مستخفاً

خانه ات رانده ای و از خدمت دورم کرده ای یا شاید دیده ای سبک شمارم

یحقک فأقصیتنی او لعلک رأبتنی معرضاً عنک فقلبتنی او لعلک

حقت را پس دورم کرده ای یا شاید دیده ای از تو رو گردانده ام پس خشمم کرده ای یا شاید مرا

وجدتنی فی مقام الکاذبین فرقتنی او لعلک رأبتنی غیر شاکر

در جایگاه دروغگویانم دیده ای پس رهایم کرده ای یا شاید دیده ای سپاسگزار

لینعمایک فحرمتنی او لعلک فقدتنی من مجالس العلماء فخذلتنی

نعمتهایت نیستم پس محرومم ساخته ای یا شاید مرا در مجلس علماء نیافته ای پس خوارم کرده ای

او لعلک رأبتنی فی الغافلین فمن رحمتهک آيستنی او لعلک

یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده ای پس از رحمت خویش بی بهره ام کرده ای یا شاید

رأبتنی آلف مجالس البطالین قبینی و بینهم خلیتنی او لعلک لم

مرا ماءنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده ای پس مرا به آنها وا گذاشته ای یا شاید

تجب أن تسمع دعائی فباعدتنی او لعلک یجرمی وجریرتی

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده ای

کافیتنی او لعلک یقله حیائی منک جازبتنی فإن عفوت یا رب

یا شاید به بی شرمیم مجازاتم کرده ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فطال ما عفوت عن المذنبین قبلی لان کرمک آی رب یجل عن

بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مکافات المفصرین وانا عائد یفضلک هارب منک إلیک متنجز ما

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته ام و درخواست

وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ يَكْ ظَنَّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

انجام وعده ات را در چشم پوشی از کسی که خوش گمان به تو است دارم خدایا تو فضل و سیعتر

وَأَعْظَمُ جِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزَلَّنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا

و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه

أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي يَفْضُلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم ؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من

يَعْفُوكَ وَجَلَلَنِي يَسِّرْكَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي يَكْرَمُ وَجْهَكَ سَيِّدِي

با عفو خود نیکی کن و با پرده پوشیت بیوشانم و درگذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذاتت آقای من

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتُهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که

هَدَيْتُهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتُهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتُهُ وَالْجَائِعُ

راهنماییش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه ای هستم

الَّذِي أَشْبَعْتُهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتُهُ وَالْعَارِيُّ الَّذِي كَسَوْتُهُ

که سیرش کردی و تشنه ای هستم که سیرایش کردی و برهنه ای هستم که پوشاندیش

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَعْنَيْتُهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتُهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتُهُ

و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتُهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتُهُ وَالْمُذِيبُ الَّذِي

و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که

سَتَرْتُهُ وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتُهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ

گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارشمرده ای هستم

الَّذِي نَصَرْتُهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتُهُ أَنَا يَا رَبَّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ

که یاریش کردی و آواره ای هستم که جا و ماء وایش دادی منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم

فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرْ أَقْبِكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا ص احِبُّ الدَّوْ اِهِي الْعُظْمَى أَنَا

و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم منم صاحب مصیبتها و ماجراهای بزرگ منم

الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي

کسی که بر آقای خود دلیری کرده منم کسی که نافرمانی برپادارنده آسمانها را کرده ام منم کسی که

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

برای نافرمانیهای بزرگی که کرده ام رشوه داده ام منم آن کسی که هرگاه نوید گناهی را به من می دادند

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتَ عَلَيَّ

بسویش شتابان می رفتم منم که مهلتم دادی ولی من به خود نیامدم و بر من پوشاندی

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ

ولی من شرم نکردم و نافرمانیها کردم و از حد گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم

فَمَا بِالْأَيْتُ فَيَجْلِمُكَ أَمَهَلْتَنِي وَبَسِطْتَ سَتْرَتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي

پس باز هم به بردباریت مهلتم دادی و به پرده پوشیت مرا پوشاندی تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَمْ

و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که گویا از من شرم کردی خدایا در

أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ وَلَا يَأْمُرُكَ مُسْتَخِفُّ

هنگام گناه که من نافرمانیت کردم نه از باب این بود که پروردگاریت را منکر بودم و یا دستورت را سبک شمردم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِيُوعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

و یا خود را در معرض کفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی ارزش فرض کردم بلکه گناهی بود که پیش آمد

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَعَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَغَرَّتَنِي

و نفس سرکش نیز آنرا آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته

سَيَّرْتُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ يَجْهَدِي فَالآنَ مِنْ

(پرده پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آنجا که می توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم ولی اکنون کیست که

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْفِذُنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي

از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی خلاصم کند

وَيَحْبِلُ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسُو أَنَا عَلَيَّ مَا

و به ریسمان چه کسی چنگ زرم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من

أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْ لَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصاء کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْفُنُوطِ لَقَنْطَطُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ

رحمتت نبود و از ناامید شدن باز نمی داشتی به محض آنکه به یاد آنها می افتادم یکسره ناامید می شدم ای بهترین

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ يَذِمَّةَ الْإِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ

کسی که خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدا یا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم

إِلَيْكَ وَيَحْرَمَةَ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَيَحِبُّ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی

الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا

هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا مبدل به

تَوْجِشِ اسْتِنَاسِ إِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسَّيْنَتِهِمْ لِيَحْفَنُوا بِهِ دِمَائِهِمْ فَأَدْرَكُوا مَا أَمَلُوا وَإِنَّا

زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما

أَمْنَا بِكَ يَا لَسِينَتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنَّا فَأَدْرَكْنَا مَا أَمَلْنَا وَتَبَّتْ رَجَائِكَ

به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را

فِي صُدُورِنَا وَلَا تَزُغْ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

در دلهای ما ثابت و محکم فرما و منحرف مساز دلهای ما را پس از آنکه هدایتمان کردی و ببخش بما از نزد خود

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ

رحمتی که براستی تویی بسیار بخشنده به عزتت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانه ات برنخیزم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهَمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ يَكْرَمِكَ وَسَعَةِ

و دست از تملق و چاپلوسیت بردارم چون شناسایی کرمت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده ،

رَحْمَتِكَ إِلَيَّ مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ وَإِلَىٰ مَنْ يَلْتَجِي

بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و

الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش خدا یا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهُادِ وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فَصَاحِي عِيُونَ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ بِي

و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسواییهایم را به چشم بندگانت آری و دستور بردنم را

إِلَى النَّارِ وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا

بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و

صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسِي

آرزومندیم را از عفو تو بازگردانم و بیرون نرود محبتت از دلم و من

أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسَيَّرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجُ حُبَّ الدُّنْيَا

نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمی کنم ای آقای من محبت دنیا را

مِنْ قَلْبِي وَأَجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ

و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت

إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَقْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ

بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشتن زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها

عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا

گذراندم و درآمده ام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم پس کیست که بدحال تر از من باشد

مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أُمَهِّدْ لِرَفْدَتِي وَلَمْ

اگر من بر این حال بسوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده ام برای خوابیدنم

أَفْرُشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَصَجَعْتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا

و فرش نکرده ام آنرا به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی دانم به چه سرنوشتی

يَكُونُ مَصِيرِي وَآرِي نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ

دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد

خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجِيحَةَ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ

در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤْلِ مَنْكِرٍ

گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال نکیر

وَنَكِيرٍ إِيَّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْبَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي

و منکر از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَن يَمِينِي وَأُخْرَى عَن شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ

به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هر يك از خلایق را

فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ

در کاری غیر از کار خود ببینم برای هر يك از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره هایی

بَوْمِيذٍ مُسْفِرَةً ضَاكِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَوَجْوهَ يَوْمِيذٍ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ

در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید

وَتَوَكَّلِي وَيَرْحَمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي

و توکلم و به رحمت تو آویخته ام ، به رحمت خود رسانی هرکه را خواهی و به کرامت راهنمایی کنی

يَكْرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ مِنَ الشَّرِّ قَلْبِي

هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَقِيلِسَانِي هَذَا الْكَالِ أَشْكُرُكَ أَمْرٌ

و برای تو است ستایش برای باز کردنت زبانم را، آیا به این زبان کُندم سپاس تو را گویم یا

يَغَايَةَ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنبِي

با نهایت کوشش در کردارم تو را خوشنود سازم ؟ و چه ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر

شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنبِي يَعْظِمُكَ وَإِحْسَانِكَ [إِلَى] إلهي [تَجُودُكَ

سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمتهایت و احسانی که به من کردی خدایا براستی بخشش تو

بَسْطِ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قِيلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي

آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من اشتیاق من بسوی تو است و هراسم از تو است

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ

و آرزو و امیدم بسوی تو است و آرزویم مرا بسوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده

هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم

وَيْكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ يَدِي وَيَحْبِلُ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ

تنها از تو است و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداخته ام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم

رَهْبَتِي [يا] مَوْلَايَ يَذْكُرُكَ عَاشَ قَلْبِي وَيَمْنَا جَانِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ

ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش

الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مَوْمَلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرَّقُ بَيْنِي

ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته ام میان

وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْئَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ

من و گناه‌ها را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی ببنداز و این خواهشی که من از تو می‌کنم به خاطر همان امید دیرینه ایست

فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِيكَ مِنَ الرَّاقَةِ

که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره ات دارم که تو رافت و مهربانی را برای بندگانت بر خود فرض کرده ای

وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

پس امر و فرمان از آن تو است یگانه ای که شریک نداری و خلائق همگی جیره خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي

و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تواءند برتری ای پروردگار جهانیان خدایا

ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكُلَّ عَنْ جَوَائِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ

به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیلم قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام

سُؤْلِ إِلَيْكَ يَا رَبِّي يَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

بازپرسیت از سرم ببرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت نیازمندم و به خاطر

وَلَا تُرَدِّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقِلَّةِ صَبْرِي أَعْطِنِي لِفَقْرِي

نادانیم مرا از درگاهت مران و برای کم طاقتیم مهتر را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای ناتوانیم

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمَعْوَلِي وَرَجَائِي

به من رحم کن ای آقای من بر تو است اعتماد و تکیه و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را

طَلَبْتِي وَبِكْرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِيحُ دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي

جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم

وَبِغِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكْرَمِكَ

به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بپا ایستم و به جود و کرم تو

أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي فَلَا تُحْرِقْنِي يَا نَّارَ وَأَنْتَ

دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم

مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي الْهَاطِيَةَ فَإِنَّكَ فَرَّةٌ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا

سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من

تُكذِّبُ طَنِّي يَا حَسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَتِي وَلَا تَحْرَمْنِي ثَوَابَكَ

گمان مرا به احسان و نیکیت دروغ و بی اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیت محروم مساز که

فَإِنَّكَ الْعَارِفُ يُفَقِّرُ إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ

تو به نداری من آشنایی خدا یا اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ يَذَنْبِي وَسَأَلْتُ عِلَلِي إِلَهِي إِنْ

من اعتراف به گناهم را وسیله عذر خویش به درگاهت قرار دهم خدا یا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو

عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ يَا عَفُوَّ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي

به گذشت باشد و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عادل تر از تو باشد

الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ

رحم کن در این دنیا به غربتم و هنگام مرگ به غمزدگیم و در قبر به

وَحْدَتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ

تنهاییم و در لحد به وحشت و بی کسیم و هنگامی که در برابرت به پای حسابم آورند به خواری

مَوْفِي وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَنِّي الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا يَهِي

جایگاهم رحم کن و ببامرز برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا

سَتَرْتَنِي وَأَرْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي آيِدِي أَحَبَّتِي

پوشاندی و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دستهای باران مرا به این سو و آن سو کنند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَتَحَنَّنْ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده ام و همسایگان شایسته ام به اینطرف و آنطرف می گردانند

عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجُدْ عَلَيَّ مَنفُوعاً

بر من تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه ام را بر دوش گرفته اند با من مهربانی فرما

قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي وَأَرْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

و هنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن خانه تازه و نو

غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي

رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم واگذاری

هَلَكْتُ سَيِّدِي فَيَمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْنِي عَثْرَتِي قَالِي مَنْ أَفْزَعُ إِنْ

هلاک گردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم

فَقَدْتُ عِيَابَتَكَ فِي ضَجَعَتِي وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي

اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم را برطرف نکنی ،

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ

آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا نَقَضَى

در روز نیازمندیم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم

أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ إِلَهِي حَقَّقْ رَجَائِي وَأَمِينُ

بسر رسد ای آقای من مرا با اینکه به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش

خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا أَسْتُلْكَ مَا

و ترسم را امان بخش زیرا در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را

لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَالْيَسْنَى مِنْ

که شایسته آن نیستم و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بیامرز مرا و از نظر مرحمت خود جامه ای بر

نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ التَّيْبَاتِ وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أَطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو

من بیوشان که گناهانم را بیوشاند و آنها را برایم بیامرز و مورد مؤ اخذه قرارم مده که تو دارای

مَنْ قَدِيمٌ وَصَفْحٌ عَظِيمٌ وَتَجَاوَزٌ كَرِيمٌ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ

منتی دیرینه و چشم پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را

سَيِّبِكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجَاهِدِينَ يَرْبُؤِيَّتِكَ فَكَيْفَ

حتی بر آنکه درخواست نکند و بر منکران پروردگارت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که

سَيِّدِي يَمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَّقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ

از تو درخواست کند و یقین داند که جهان خلقت از تو و کار بدست تو است ؟ برتری

وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي عَبْدُكَ يَبَايِكَ أَقَامَتُهُ الْخِصَاصَةُ

و والایی ای پروردگار جهانیان ، ای آقای من بنده ات به درگاهت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ يَدْعَاؤُهُ فَلَا تُعْرَضُ يَوْجَهَكَ الْكَرِيمِ

واداشته و به وسیله دعای خود در خانه احسان تو را می کوبد پس آن روی بزرگواری را از من

عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا

بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون

تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي يَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ

آشنایی کاملی به مهر و رافت تو دارم خدایا تویی که درمانده و سؤال بیچت نکند

سَأَلْتُ وَلَا يَنْفُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي

سائلی و بخشش و عطا از تو نگاهد تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوئیم خدایا من از تو

أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَقَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَأَجْرًا عَظِيمًا

خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ

از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می دانم و چه آنچه را نمی دانم خواهم از تو

اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

خدایا از بهترین چیزی که بندگان شایسته ات خواهند ای بهترین درخواست شدگان

وَأَجُودَ مَنْ أَعْطِيَ أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِيَّ

و ای بخشنده ترین عطابخش عطاکن به من خواسته ام را در مورد خود و خانواده و پدر

و وَوَلَدِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَطْهِرْ

و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینیم و زندگیم را خوش و فراخ گردان

مُرُوتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمُرَهُ

و مردانگیم را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی

وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوَةً

و کردارش را نیکو و نعمت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته ای و زندگی

طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا

پاکیزه ای به او بخشیده ای که در میان پابرجاترین خوشی و وسیعترین کرامت و کاملترین زندگانی روزگار بسر می برد

تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

و برآستی تو هرچه را بخواهی انجام دهی ولی جز تو کسی نتواند هرچه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر مخصوص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً

خود مخصوصم دار و آنچه را من بوسیله آن در تمام ساعات و دقائق روز و شب وسیله تقرب درگاهت قرار دهم خودنمایی

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ

و شهرت طلبی و سرکشی و گردن فرازی قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدایا

أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ

به من عطا فرما وسعت در روزی ، و امنیت در وطن ، و چشم روشنی در خاندان

وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَالْمَقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ

و مال و اولاد و پایدار ماندن نعمتهایی که در پیش من داری و تندرستی و نیرویی در بدن

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده ام مرا به طاعت خود و اطاعت

و طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

پیامبرت محمد صلی الله علیه وآله وادار کن

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنزِلُهُ

و بگردانم از پرنسب ترین بندگانت در هر خیری که نازل کرده و

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ

در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را در هر سال نازل گردانی از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلِيْسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

مهری که بگسترانی و تندرستی که بیوشانی و بلاهایی که بازگردانی و کارهای خیری که بپذیری

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا

و زشتیهایی را که از آنها درگذری و روزیم کن حج خانه کعبه را در این سال

وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَأَصْرَفْ

و در هر سال و روزیم ده روزی فراخی از فضل وسیع خود و بدیها را

عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَاءِ وَأَفْضِرْ عَنِّي الدِّينَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا

ای آقایم از من دور کن و بدهی ها و مظلمه هایی که به گردن دارم از من ادا فرما بطوری که

آتَاذِي يَشِيءُ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي يَا سَمَاعَ وَأَبْصَارَ أَعْدَائِي وَحُسَّادِي

به خاطر چیزی از آنها ناراحت نباشم و گوش و چشم دشمنان و حسودان

وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَقَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي

و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاریم ده و دیده ام را روشن کن و دلم را شاد گردان و برایم از

مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مِنْ أَرَادَنِي يَسُوءِي مِنْ

اندوه و غم فرج و گشایشی قرار ده و هرکه را از تمامی خلقت که اراده سوئی نسبت به من دارد

جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَكَفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا از شرّ شیطان و شرّ سلطان

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ

و بدیهای کردارم و پاکم کن از گناهان همگی ، و از آتش دوزخ

يَعْفُوكَ وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

بوسیله عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوریه های بهشتی به فضل خود به همسریم درآور

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَ إِيَّاهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ

و ملحقم کن به دوستان شایسته ات محمد و آتش آن نیکان پاک

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

پاکیزه و برگزیده دروهای تو بر ایشان و بر جسدهاشان و بر ارواحشان

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَلَبْتَنِي

و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من سوگند به عزت و جلالت اگر مرا در مورد

يَذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ يَعْفُوكَ وَلَئِنْ طَلَبْتَنِي يَلُومِي لِأَطَالِبَنَّكَ يَكْرَمِكَ

گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می کنم و اگر به پستی ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرمت

وَلَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخِيرَنَّ أَهْلَ النَّارِ يَحِبُّ لَكَ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ

تو را مطالبه می کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می دهم که دوستت دارم ای خدای من و آقای من

كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَىٰ مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْذِبُونَ

اگر نیامیزی مگر دوستانت و پیروانت را پس به که پناه برند گناهکاران

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ يَكُ فِيمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ

و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفاداران پس به که استغاثه کنند بدکرداران

إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ

خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنت گردد و اگر به بهشتم ببری

فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَنِيكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلماً می دانم که خوشحال شدن پیامبرت را بیشتر از

سُرُورِ عَدُوِّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً

خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می خواهم که دلم را پرکنی از محبت و ترس از

مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا

خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود

ذَٰلِجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائَكَ وَآحِبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي

ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضَىٰ

لقاء خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن و از شایستگان باقیمانده

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَىٰ

قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر مخالفت با

نَفْسِي يَمَا تُعِينُ يَهِيَ الصَّالِحِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

هوای نفسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَاجْعَلْ نَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي عَلَىٰ صَالِحٍ مَا آعَطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده ای که در کار صالح بکار بندم

وَتَبَتَّنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْفَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبِّ

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدبهبایی که از آن نجاتم داده ای ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِينِي مَا

جهانیان خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده ام داری به همان ایمان

أَحِينَتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَقَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ

زنده ام دار و چون بمیرانیم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم بر همان ایمان برانگیزم

وَأَبْرَأَ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسَّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّىٰ يَكُونَ

و پاک کن دلم را از ریا و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه

عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ آعِطْنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي

عملم خالص برای تو باشد خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن)

حُكْمِكَ وَفَهْمًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزْنِي

حکمت و درک خاصی در فهم علمت و دو سهم از رحمتت و پرهیزکاری آنچنانی که مرا

عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيْضُ وَجْهِهِ يَنُورُكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

از گناهانت بازدارد و رویم را به نور خود سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش تو است قرار ده

وَتَوَقَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ

و در راه خود و بر کیش پیامبرت صلی الله علیه وآله بمیرانم خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ

به تو پناه می برم از کسالت و سستی و اندوه و ترس و خیالت و بی خبری

وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ

و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا

از آنها و هر چه پنهان و پناه می برم به تو از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که

يَخْشَعُ وَدَعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَيَّ

نهراسد و دعایی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد و پناه می برم ای پروردگارم در مورد

نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده ای از شیطان رانده درگاهت

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا آجِدُ

که براستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد و جز تو پناهگاهی

مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا

نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده و مرا به هلاکت و عذاب دردناک

تَرُدَّنِي يَهْلِكَةَ وَلَا تَرُدَّنِي يَعَذَابِ أَلِيمٍ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلُ

بازمگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را بلند کن و

ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وِزْرِي وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ

درجه ام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و

ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ

و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفزای که من براستی بسویت

رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ

مشتاقم ای پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که

ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا

به ما ستم کرده و ما به خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی

أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلاً عَنْ آبَائِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلاً فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا يَقْضَاءِ

که هیچ خواهنده ای را از در خانه مان بازنگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمده ام و بازم مگردان جز با روا شدن

حاجتی وَاْمَرْتَنَا بِالْاِحْسَانِ اِلَى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَتَحْنُ اَرْقَاءُكَ

حاجتم و به ما دستور دادی که نسبت به بردگانمان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم

فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ

پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام

شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزَعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتْتُ وَلَذْتُ لَا اَلُوذُ سِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ

سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم

الْفَرَجِ اِلَّا مِنْكَ فَاغِيْثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفْكُ الْاَسِيْرَ وَيَعْفُو عَنِ

جز از تو پس تو به فریادم برس و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه

الْكَثِيْرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْاَسِيْرَ وَاَعْفُ عَنِّي الْكَثِيْرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيْمُ

بسیار بگذری طاعت اندک را از من بپذیر و از گناه بسیارم بگذر که براستی تو مهربان

الْعَفُوْرُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِيْ وَيَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰى اَعْلَمَ

آمرزنده ای خدایا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم

اَنَّهُ لَنْ يُصِيْبَنِيْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِيْ وَرَضْنِيْ مِنَ الْعِيْشِ يَمَا قَسَمْتَ لِيْ

مسلم چیزی به من نرسد جز آنکه بر من نوشته ای و خوشنودم کن در زندگی به همانکه نصیب کرده ای

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ای مهربانترین مهربانان